

داستان دلکش

دلکش بانوی افسانه‌ای آواز ایران که چندی پیش در سالن تاتر سنتنیال در نورت ونکوور به روی صحنه رفت دو هفته پیش در حال بیماری و با خلقی تنگ و دلی آزرده ونکوور را به قصد ایران ترک گفت. دلکش پیش از بازگشت به ایران در تماسی تلفنی با پیوند ضمن خداحافظی ماجرای کنسرت و درگیری‌اش با برنامه گذار(ان) را تعریف کرد و خواست صدایش را به گوش هم وطنان برسانیم. در جواب به این درخواست با وی مصاحبه ای تلویزیونی ترتیب دادیم که متن گفته های او در این مصاحبه بی هیچ کم وکاست همراه با نامه ای که به دفتر نشریه فرستاده در زیر می آید.

پای درد دل دلکش

به من بسیار در ونکوور خوش گذشته، مخصوصا (با) خانم فریده خانم و ایرج و شاهین جان. این خانواده به من خیلی محبت کردند. یعنی اگر این خانواده نبودند ما باید در کوچه می خوابیدیم چون شبی که ما کنسرت گذاشتیم، برای این خانم شینا خانم رضایی، برایش برنامه گذاشتیم و ایشان قرار بود، با من در چیزی که نوشته بودیم، قرار دادی که نوشته بودیم، جا تهیه کنند، حتا گفت من می برمتون در هتل درجه یک، درجه دو که نبرد، اصلا طوری رفتار کرد که همان شب اول پول ما را خورد، فرداش آمدیم ازش حسابرسی کنیم، خوب حساب ما چیه، کتاب مان چیه، باید چکار کنیم. دیدیم که نه، اصلا این خانم تو باغ نیست. اصلا انگار نه انگار که ما را آورده اینجا. بی‌اعتنایی شروع شد و هیچ هم به ما نداده و من مریض شدم. یک ماه که اینجا بودم مریض شدم. نزدیک بود کارم به بیمارستان بکشه، به قدری حالم بد بود که نتوانستم خلاصه اینجا بمانم. دلم می‌خواست بمانم و با هم‌وطنانم بینم‌شان و واقعا برایشان دوباره برنامه بگذارم. بنشینم باهاشون صحبت کنم. دیدم اصلا نمی‌توانم.

این خانم طوری با من رفتار کرد... حتا من خیلی عذر می‌خواهم _من سیگاری ام، من باید سیگار بکشم_ پول سیگار به من نداد که من یک بسته سیگار بخرم. این جور با من توهین آمیز رفتار کرد. به هر حال من خیلی عذر می‌خواهم از این که دارم می‌روم. انشالله اگر وقت شد شاید دومرتبه برگردم، برنامه ای برای شما تهیه کنم. از همین جا می‌روم ایران. دیگر فعلا برنامه‌ای ندارم تا بروم ایران. بروم بیمارستان معالجه بشوم. حالم که خوب شد شاید برگردم لس آنجلس (برای اجرای برنامه).

از همه تشکر می‌کنم مخصوصا از آقای دکتر روحانی و خانم (دکتر) بهشتی. بسیار این دکترها به من رسیدند، بدون این که از من پول دریافت کنند. هر قرصی بوده، شربت بوده، شربت سینه بوده، همه ی اینها را به من دادند، ازشون واقعا تشکر می‌کنم. خیلی ممنونم.

یکی از روزنامه ها مثل این که «پیوند»، نمی‌دونم درست، این روزها درمی آید، از ایشان هم آقای مهجوری، رامین مهجوری تشکر می‌کنم، خیلی ممنونم، ایشان هم خیلی به من لطف کردند...

برنامه گذار

در حالی که قرارداد خانم دلکش (کپی و متن کامل این قرارداد و نامه نگاری های مربوطه در دفتر نشریه موجود است) با خانم شینا رضایی و با سربرگ رادیو ۲۴ ساعته نوشته شده به دلیل پرهیز از واکنش منفی افکار عمومی که در رابطه با برنامه های قبلی ایشان ذهنیت مثبتی نداشتند مسوولیت اجرایی برنامه به شاهین واگذار شد. شاهین که علاوه بر قبول مسوولیت اجرایی برنامه میزبان دلکش و دو همراهش نیز بود در رابطه با بیمار شدن این هنرمند سالخورده می گوید: «شینا رضایی به من اطمینان داده بود که خانم دلکش بیمه شده اند. حتا در حضور من و پیش از ورود دلکش، تلفنی با شرکت های مختلف بیمه صحبت کرده بود. اما وقتی حال خانم دلکش بد شد از بیمه خبری نبود. به کمپانی هایی که نام شان را از خانم رضایی شنیده بودم تلفن کردم و جواب شنیدم که بیمه ای خریداری نشده و خانم رضایی تنها قیمت پرسیده اند. حال خانم دلکش رو به وخامت گذاشت و اگر دکتر بهشتی و دکتر روحانی به کمکش نشتابیده بودند، خدا می داند چه می شد.»

در رابطه با گفته‌های خانم دلکش در رابطه با رفتار توهین‌آمیز و نیز مسایل مالی، شاهین افزود: «از تکرار بی‌حرمتی‌ها و رفتاری که با این بانوی هنرمند شد خجالت می‌کشم اما در مورد مسایل مالی باید بگویم. جمعیتی بالای ۳۰۰ نفر در سالن حاضر بودند و مبلغی بالای ۱۱ هزار دلار از فروش بلیت در دست خانم رضایی بود. از این مبلغ، همان شب برنامه ۹۰۰ دلار به آقای سهیل فرزند خانم دلکش دادند که فردا حساب کتاب کنند. اما باقی مانده را بابت مخارجی که متقبل شده بودند تصاحب کردند. این در حالی است که چون من دنبال کارها بودم، پول سالن، تبلیغات، هزینه‌های شخصی خانم دلکش و همراهانش، هزینه سفر و هتل خانم فائزه، آقای شیبانی و نوازندگان که برای اجرای برنامه با دلکش آماده بودند را همه من متقبل شدم، خود خانم دلکش و دو همراهش نیز که نزد من و با خانواده ام بودند. تنها خرجی که خانم رضایی متحمل شدند هزینه بلیت خانم دلکش از تهران به ونکوور بود.»

در همین رابطه برآن شدیم که با خانم شینا رضایی تماس گرفته و چند و چون قضیه را از ایشان جویا شویم. متأسفانه تلاش ما برای دسترسی به ایشان تا لحظه چاپ ممکن نشد.